

بررسی نظام مهارت‌های ارتباطی در اسلام و استنتاج راهبردهایی جهت آموزش برنامه مهارت‌های زندگی دانش آموزان در دوره ابتدایی

زهره زمانی^۱، افضل السادات حسینی دهشیری^۲، محمد بنیانی^۳

^۱ کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

^۲ دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران

^۳ استادیار گروه فلسفه دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مهارت‌های ارتباطی در اسلام و استنتاج راهبردهایی برای آموزش مهارت‌های زندگی دانش آموزان در دوره ابتدایی تحصیلی انجام گردیده است. این پژوهش از نوع تحلیلی - استنباطی بوده و در آن سعی شده آیاتی از قرآن کریم که مرتبط با مهارت‌های ارتباطی و روابط میان انسان‌ها در یک جامعه بیان گردیده، همچنین سیره نبوی را مورد بررسی قرار داده، سپس راهبردهایی را برای آموزش مهارت‌های ارتباط مؤثر و روابط میان فردی، که از جمله موارد ذکر شده در تعاریف گوناگون مهارت‌های زندگی است، استنتاج کرده و در اختیار متصدیان امر تعلیم و تربیت در مقطع ابتدایی قرار دهد. نتایج تحقیق مبین آن است که با توجه به الگوپذیری دانش آموزان در پایه های ابتدایی، آموزگاران این مقطع، به نحو شایسته می‌توانند با رعایت نکات اخلاقی در کلاس درس، به آموزش مهارت‌های زندگی به ویژه مهارت‌های ارتباط مؤثر در جامعه و روابط میان فردی بر اساس آموزه‌های دینی بپردازند و اصل مهم تکریم شخصیت انسان‌ها را در وجود افراد نهادینه کنند تا در جوامع بزرگ‌تر کمتر شاهد برخوردهای ناشایست در میان افراد اجتماع باشیم.

واژه‌های کلیدی: اسلام، دوره ابتدایی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های زندگی.

مقدمه

امروزه در شرایط خاص و زمانی ویژه قرار داریم. انسان «خلیفه الله» توانسته است مرزهای دانش را در نوردد و بیشترین امکانات را در اختیار گیرد و همچنان نیز به سرعت پیش می رود تا بهترین و مرفه ترین زندگی را رقم بزند اما با وجود تلاش ها نتایج معکوس شامل حال او شده و اسارت در آسایش مطلق، آرامش را از او سلب نموده است و با همه پیشرفت های علمی و امکانات پیرامونی هنوز هم از درد های جانکاه وی کاسته نشده است (امانی، عظیم، ۱۳۹۴). این مطلب گواه بر این است که برای رسیدن به سواحل آرامش علاوه بر آسایش، «یک سری مهارت های زندگی» نیز لازم است؛ مهارت هایی که با گسترده شدن زندگی، آن ها نیز پیچیده تر می شوند (خنیفیر، ۱۳۸۶) و با توجه به اینکه امروزه پیشرفت انسان و میزان موفقیت او در هر زمینه به یقین بسته به نوع ارتباط او با دیگر انسان ها در جامعه و شیوه رفتاری او در روبرویی با گونه های مختلف رفتاری از سوی دیگران است، بررسی مهارت های ارتباطی انسان که از جمله موارد بسیار مهم مهارت های زندگی انسان است، لازم و ضروری به نظر می رسد.

با توجه به تغییرات و پیچیدگی های روزافزون جامعه و گسترش روابط اجتماعی، آماده سازی افراد به خصوص نسل جوان، جهت رویارویی با موقعیت های دشوار، امری ضروری به نظر می رسد اما متأسفانه ما با وجود اینکه در یک کشور اسلامی زندگی می کنیم که کلیه ی قوانین و اهداف تربیتی بر پایه ی دستورات دین بنا نهاده شده و در خصوص مسائل تعلیم و تربیت در حیطه ی اهداف، به ویژه اهداف غایی، خوب داد سخن در داده ایم که هدف، رساندن مرتبی به "قرب الهی" است؛ اما از اهداف مرحله ای و واسطه ای در عمل بازمانده ایم (مقامی، ۱۳۸۸).

در کشور ما سالانه میلیون ها دانش آموز در مدارس مشغول به تحصیل هستند که حدود شش ساعت از اوقات خود را در مدرسه سپری می کنند. مدارس که در اهداف کلی و جزئی خود، تربیت اسلامی و پرورش انسان جهت حضور مؤثر در اجتماع را با عناوین مختلف مدنظر دارند و پیوسته رشد فردی و اجتماعی هماهنگ با موازین اسلامی جزء اهداف تربیتی اولیاء و مربیان و مسؤولان بوده و هست. ولی علیرغم همه تلاش ها، تغییرات فرهنگی و اجتماعی و رشد روزافزون علوم، همچنین تحقق بیش از پیش مفهوم "دهکده جهانی" نگرانی هایی را در زمینه تربیت اخلاقی و اجتماعی کودکان ایجاد کرده است (گل سرخی، ۱۳۸۹).

ما پشتوانه هایی از معارف تربیتی، آموزه های دینی و عملکردهایی از بزرگان تعلیم و تربیت داریم، پس چرا در نظامی این گونه بیمار، بی حال و غم ناک کودکان خود را می پرورانیم؟ چرا آموزش های ما گاه توأم با «ترس، مکر و فریب، احترام ساختگی، بدگمانی یا تمایل به مخفی شدن» به جای «محبت فراوان، یگانگی دلپذیر، اعتماد کامل، رفتار شرافتمندانه، بی پرده، طبیعی و صادقانه» انجام می پذیرد و چرا گاهی همگی این ها به دین گره می خورد؟

چرا ما باید حتی در مدارس و آموزشگاه ها شاهد بحث و جدل دانش آموزان باشیم که گاه بر سر یک موضوع بسیار بی ارزش مثل وسایل شخصی، تغذیه و... است؟ اینگونه برخوردهای ناشایست از کجا سرچشمه می گیرد و به کجا ختم می شود؟ آیا دعوای خیابانی، کم فروشیها در بازار تجارت، اختلافات خانوادگی و... موضوعاتی کاملاً مستقل از این مسایل است یا برعکس دقیقاً از همین ناسازگاریهای خرد و مسایل کوچک منشأ گرفته؟ مگر ما در دین و سفارشات مؤکد بزرگان دینی، چگونگی برخورد با هم نوعان را در زمینه های گوناگون نیاموخته ایم یا دسترسی به چنین منابع عظیم تربیتی نداریم؟ (گاطع زاده، ۱۳۹۰)

به نظر می‌رسد جهت کاهش این نگرانی‌ها چنانچه بتوانیم یک برنامه صحیح آموزش مهارت‌های ارتباطی را از آیات قرآن و سیره نبوی استنتاج نموده و به میزان درک دانش آموزان (دوره ابتدایی) و به شیوه مطلوب و در حد توان بکارگیری، در اختیار او بگذاریم، شاید در این زمینه بتوانیم گام بلندی در جهت نیل به اهداف آموزشی و پرورشی برداریم.

حال می‌توان با در نظر گرفتن اینگونه سفارشات قرآن و تأکیدات در رفتار پیامبر (ص) به نظامی در برقراری ارتباط مردم با یکدیگر در جامعه رسید که مد نظر پژوهشگر است و باید متذکر شد که ما در دین یک تعریف کلی با در نظر گرفتن یک چهارچوب ویژه که دقیقاً بتوان در آن حیطه مهارت‌های ارتباطی را در نظر گرفت مشاهده نمی‌کنیم ولی می‌توانیم به خوبی از آیات قرآن و رفتار پیامبر (ص) که بیشتر از هر فردی عالم و عامل به آن آیات بودند، قوانین اخلاق اجتماعی و رفتار مناسب و صحیح در جامعه را دریافت کرده و از آن در زندگی کنونی استفاده نماییم.

اگر تربیت اسلامی را دقیق مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه دست می‌یابیم که همه‌ی مواردی که در تعریف مهارت‌های زندگی، امروزه بر سر زبان‌ها جاری است و بر آموزش آن به همه‌ی افراد جامعه به ویژه دانش آموزان در دوره‌های پایین تحصیلی که در ابتدای یک جریان زندگی اجتماعی (به ظاهر ساده و کوچک) قرار دارند، تأکید خاص می‌شود، در دل یک تربیت اسلامی نهفته است. پس ما می‌توانیم به خوبی در مسیر هدایت انسان با توجه به آیات و روایات و آموزه‌های دین مبین اسلام قرار بگیریم و برترین دروس زندگی اجتماعی مطلوب از لحاظ دین اسلام را گرفته و بر آموزش آن همت گماریم.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی - استنباطی بوده و با توجه به آیات قرآن، همچنین سیره‌ی نبوی که همان الگوی رفتاری پیامبر خاتم حضرت محمد(ص) است، مطالب ارائه شده است. به عبارتی در این روش ابتدا آیات و سوری از قرآن که پیام‌هایی در خصوص شیوه‌ی صحیح یک زندگی اجتماعی مطلوب در خود دارند و مواردی که در برقراری ارتباط افراد با یکدیگر در جامعه ذکر شده، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و مصادیق مطرح در آموزه‌های دین مبین اسلام، از آن متون استنباط شد، سپس با توجه به شیوه‌ی رفتاری رسول اکرم (ص) که نمونه‌ی بارز عمل به آیات قرآن در زندگی فردی و اجتماعی هستند، برخوردهای صحیح فرد در جامعه در شرایط گوناگون زندگی و تعامل با سایر انسان‌ها بر اساس آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت از این دستورات و آموخته‌ها راهبردهایی جهت آموزش مهارت‌های زندگی در حد توان و میزان درک دانش آموزان دوره ابتدایی استنتاج شد و در اختیار متصدیان امر تعلیم و تربیت قرار گرفت.

راهبردهای مهارتی بر اساس آموزه‌های دین اسلام جهت آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان دوره ابتدایی

۱. مهارت درک کرامت انسانی

خداوند درباره کرامت و عزت انسان می‌فرماید: "و لقد کرّمنا بنی ادم و حملنهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً"^۱ این تکریم شامل دو بعد تکوینی و تشریحی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰). این آیه با صراحت اثبات می‌کند که خداوند فرزندان آدم را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و به همین دلیل روشن، همه افراد بشر باید این کرامت و ارزش انسانی را برای یکدیگر به عنوان یک حق بشناسند. از این آیه همچنین استفاده می‌شود که انسان، علاوه بر حق

^۱ سوره اسراء آیه ۷۰

حیات دارای حق کرامت ذاتی است و تا زمانی که خود آن کرامت و حیثیت را به جهت جنایت و خیانت از خود سلب نکند، دیگران مکلف به مراعات این حق هستند، همان گونه که مکلف به مراعات حق حیات یکدیگرند.

با توجه به این آیه، انسان دارای کرامت است و این مطلب را باید برای دانش آموزان دوره ابتدایی توضیح داد. البته که برای این گروه سنی درک صحیحی از کرامت بسیار دشوار است اما همین اندازه که مربی بتواند در کلاس درس به دانش آموز بیاموزد که شخصیت خودش را همیشه در میان دیگر هم نوعان و گروه سنی خود حفظ کند و برای هر چیز کوچک و بی ارزش در کنار دوستان، خود را کوچک و کم ارزش جلوه ندهد کمک بزرگی به او کرده است.

باید به دانش آموز یاد داد که خداوند او را در جایگاهی از این جهان هستی قرار داده و او را انسان نامیده که توانایی انجام بسیاری از امور را دارد. اگر دانش آموز از همین سنین پایین دریابد که خداوند به دلیل محبت خاصی که به او داشته او را در جایگاهی رفیع قرار داده و از او انتظاراتی دارد که در مقایسه با سایر مخلوقات نوعی ارزش به حساب می آید، تا حدودی می تواند برای خود این مقام را در نظر داشته باشد و چنانچه دائماً این مسأله در کلاس درس و محیط خانه برای او تکرار شود و به او یادآوری شود که همه انسان‌ها از این نگاه ویژه خداوند برخوردارند و این حق همه انسان‌هاست که همیشه مورد احترام و تکریم واقع گردند، دیگر کمتر شاهد بحث و نزاع‌های آن‌ها در محیط مدرسه و فضای پیرامون این گروه سنی خواهیم بود.

۲. مهارت مدارا کردن با هم نوعان در جامعه

خداوند در سوره فاطر آیه ۴۵ می فرماید: اگر خدا بخواهد مردم را به خاطر کارهایی که انجام می دهند و کسب می کنند مجازات کند، هیچ جنبنده‌ای از عذاب خداوند دور نخواهد ماند اما خداوند به آن‌ها فرصت می دهد. از این آیه می توان به این مسأله پی برد که انسان هرچند در زندگی دچار اشتباهاتی در رفتار و کردار خود باشد، پذیرش این اشتباهات از سوی خویش برایش مشکل است و در یک کلام نمی توان به راحتی و به صراحت او را از اشتباهش باز داشت و هدایت آن‌ها به مسیر صحیح، نیازمند صبر و حوصله است و نمی توان با خشم و عصبانیت، سریع و در یک زمان کوتاه، به او آگاهی داد.

همین مسأله در خصوص دانش آموزان مقطع ابتدایی نیز به خوبی صدق می کند. یعنی هرچند دانش آموز طبق عادت نادرست و یا هر دلیل دیگر دارای رفتار ناصحیح باشد، مربی نمی تواند در یک جلسه او را به کلی از این شیوه ناپسند بازداشته و متقاعد کند که دست از اینگونه برخورد بردارد و روش صحیح را در زندگی برگزیند، بلکه باید آرام آرام برای او وقت مناسبی در نظر بگیرد و با صبر و حوصله او را از عواقب کار ناپسند خود آگاه ساخته و راه درست را به او نشان دهد و خیلی مهم است که مربی، مدارا و مهربانی را در این مسیر، در دستور کار خود قرار دهد تا بتواند به عنوان یک دوست خوب در کنار او آموزش‌های لازم را به او داده و این شیوه را به متری خود نیز بیاموزد. در این صورت از همین سنین کم دانش آموز هم، مدارا با دیگر هم نوعان را آموخته و اگر بعدها در محیطی از سوی دیگران با رفتاری ناپسند روبرو گردید، خوب می داند که با رفیق و مدارا بهتر می توان طرف مقابل را از کار ناشایست باز داشت و در مسیر صحیح زندگی، قرار داد. قطعاً دانش آموزی که شیوه صحیح برخورد با هم نوعان را به خوبی یاد گرفته و در تصمیم‌گیری‌های کوچک خود در کلاس درس زود خشمگین نشده و با دوستان خود مدارا می کند می تواند در زندگی خویش با دیگر افراد جامعه نیز رفیق و مدارا را مد نظر داشته باشد و مهارت ارتباط مؤثر را در جامعه که از جمله مهارت‌های بسیار مهم در زندگی است و در فصول گذشته به آن اشاره شد، به خوبی بیاموزد.

۳. مهارت عفو و بخشش

در نظام اجتماعی قرآن کریم عفو و گذشت مقام رفیعی دارد. عفو در لغت به معنی گذشت و بخشودن گناه است (قریشی، ۱۳۷۱) و ترک مجازات و عقوبت (آزادی، ۱۳۸۷) و در اصطلاح به معنی نرمش بزرگوارانه و برخورد مهربانانه است که از بلند نظری، سعه صدر، بردباری، متانت اخلاقی فرد حکایت می کند (سبحانی نیا، ۱۳۹۰). قرآن کریم در خطاب به مؤمنین می فرماید: "خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین"^۲

بدین معنی که خداوند هرچند حق مقابله را برای فردی که مورد ظلم قرار گرفته، محفوظ می داند ولی از او می خواهد که با برخورد کریمانه از حق خود بگذرد و خود پاداشی برای عفو کنندگان در نظر گرفته است. این مورد را به خوبی می توان در مورد دانش آموزان دوره ابتدایی در محیط پیرامون آن ها به عنوان یک اصل در رفتار در نظر گرفت و بر این اساس بین افراد این رده سنی، یک ارتباط خوب و قوی برقرار کرد، چرا که افراد این گروه سنی معمولاً به دلیل حس مالکیت قوی نسبت به داشته های خود در برابر دیگر افراد هم گروه خود همیشه برای دفاع از این داشته ها، تلاش می کنند و کمتر حاضر می شوند از حقوق خود بگذرند. طبق آیه ۱۹۹ سوره اعراف، همچنین آیه ۹۲ سوره یوسف که خداوند جهت اصلاح روابط اجتماعی انسان ها تأکید ویژه بر عفو و بخشش دارد، می توان گذشت از اشتباه دیگران را برای دانش آموزان به خوبی شرح داد و بیان کرد که آن ها با گذشت از حقوق خود در مواقعی (البته تا جایی که موجب سرکشی و عادت برای طرف مقابل نگردد) می تواند ارتباط دوستانه میان آن ها را قوی تر و مستحکم تر کرده و محیطی شاد و با نشاط را برای در کنار هم بودن فراهم آورد.

۴. مهارت خدمت به دیگران، مسؤولیت پذیری، همیاری و تکلیف مداری

ملاک اخلاقی در نظام مطلوب قرآنی، قدرت نیست چنانچه رسول مکرم اسلام در عین حال که دارای جایگاه رفیعی در نزد مردم بودند، در مقام عمل، همیشه و در همه جا ثابت کردند که خدمت به مردم از برترین اعمال صالح نزد خداوند است و خود همواره سعی در خدمت رسانی به دیگران داشتند و این خدمت گذاری از نوعی احساس مسؤولیت در قبال دیگران سرچشمه می گیرد.

این امر در میان دانش آموزان مشغول به تحصیل خصوصاً در دوران ابتدایی امروزه خیلی بهتر از گذشته مورد توجه قرار گرفته اما نیاز به تأکید و تقویت دارد. چند سالی است که مربیان و معلمان در دبستان ها سعی دارند دانش آموزان را در کلاس درس گروه بندی کرده و در هر گروه افراد دارای توانایی بالا در هر زمینه (اخلاقی، درسی، هنری و...) را در کنار دانش آموزان با توان کمتر قرار دهند. این گروه بندی به ظاهر ساده شاید از لحاظ کمبود امکانات و زمان کار آیی لازم را نداشته باشد، اما می توان حس مسؤولیت پذیری، خدمت به هم نوعان، همکاری و داشتن تکلیف در قبال دیگران را در هر دانش آموز، مورد بررسی قرار داد و نکات لازم را جهت آماده سازی فرد برای حضور در یک جامعه بزرگ تر با وظایف بیشتر به او یاد آوری کرد و موارد لازم را به تک تک اعضاء گروه، همچنین به صورت گروهی آموزش داد.

منظور این است که با توجه به تأکید اسلام بر ایجاد روابط سالم و سازنده در یک اجتماع، می توان از همین سنین کم و در مراحل اولیه تحصیل فرد در آموزشگاه، چنین آموزه های ارزنده ای را در قالب گروه های کوچک و کارهای به ظاهر ساده به دانش آموز آموزش داد تا بتواند در مواقعی که وظیفه ای غیر از وظایف شخصی به او محول می شود، تصمیم گیری مناسبی داشته باشد و در برابر دیگر افراد گروه، تکلیف و مسؤولیت خود را شناخته و در مقام عمل به آن برآید. قطعاً با ایجاد رقابت سالم

^۲ سوره اعراف آیه ۱۹۹

در میان گروه‌ها که به هنر و خلاقیت مربی و معلم در کلاس درس خیلی بستگی دارد، افراد با توان بیشتر برای حفظ تعادل گروه خود با همیاری و خدمت به افراد ضعیف‌تر می‌توانند کمک زیادی به آن‌ها کرده و از طرفی دانش‌آموزان با توان کمتر نیز خود را مکلف می‌دانند برای پیشرفت گروه تلاش خود را بیشتر کرده و همواره سعی دارند خود را هم سو با دیگر اعضای گروه قرار دهند تا گروه آن‌ها به نتیجه مورد نظر جمع رسیده و در کار خود موفق گردند. این امر بارها در مدارس خصوصاً در مقطع ابتدایی مشاهده شده و کارشناسان آموزش و پرورش نیز بر اجرای چنین طرح‌هایی تأکید داشته و دارند.

۵. مهارت رعایت اعتدال در جامعه و اجرای عدالت

از برپایی قسط و عدالت در قرآن کریم به عنوان یکی از انگیزه‌های ارسال پیامبران در جامعه یاد شده و یکی از اصلی‌ترین اهداف پیامبران در جامعه اجرای عدالت است. عدالت اجتماعی نیز یعنی اینکه فرد دیگران را در مقابل مقررات مساوی ببیند. حال در یک آموزشگاه که دانش‌آموزانی در مقطع ابتدایی باید روزها و ساعاتی را در کنار یگدیگر بگذرانند، در یک محیط می‌توان تا حدودی دانش‌آموزان را در مقابل قوانین و مقررات با این مقوله آشنا کرد. به فرض مثال اگر قانونی از سوی شورای مدرسه و شورای دانش‌آموزی به تصویب نهایی رسیده ابتدا بایست کلیه دانش‌آموزان را از جزئیات آن مطلع کرد. حال این امر می‌تواند به صورت تراکت یا بروشور در اختیار همه قرار گیرد و یا در مراسم صبحگاه یا کلاس درس توسط معلم به دانش‌آموزان اطلاع داده شود و سپس همه آن‌ها را متقاعد کرد که هیچ‌کسی حق سرپیچی از این قانون را ندارد. خواه دانش‌آموز با استعداد و توانایی بالا باشد یا دانش‌آموزی که توان ذهنی خیلی بالا نداشته و در رتبه پایین کلاس قرار دارد. پس نکته مهم ابتدا آگاهی از قانون است و در مرحله بعد مساوی دیدن همه افراد این رده سنی در محیط مدرسه و در ازای سرپیچی افراد بایستی حتماً عواقبی برای افرادی که قصد فرار از این قانون را دارند در نظر گرفت تا کسی خود را برتر از دیگران در مقابل عمل به قانون ندانسته و همیشه در محیط به گونه‌ای رفتار شود که دانش‌آموز به حقیقت دریابد که همه‌ی هم‌گروهان او در مدرسه مانند هم باید در اجرای قوانین کوشا باشند و افراط و تفریط در این زمینه را کنار بگذارند. اجرای همین کارهای ساده و ابتدایی در یک گروه کوچک می‌تواند فرد را آماده پذیرش مسؤلیت‌ها و قوانین در یک جامعه بزرگ‌تر نموده، به گونه‌ای که مساوات و عدل در جامعه همواره مورد نظر او بوده و هرگز به خود اجازه ندهد در امور مهم‌تر در یک جامعه بزرگ‌تر نیز دچار افراط و تفریط گردد.

۶. مهارت سلام کردن و دست دادن و تکریم تازه وارد در مجلس

اولین مسأله‌ای که یک دانش‌آموز در هفت سال دوم دوران زندگی که می‌توان گفت سن معمول ورود به یک جامعه بزرگ‌تر از خانواده و بدون حضور والدین است، با آن روبرو می‌شود، شروع یک ارتباط خوب با هم‌سالان است. همه ما می‌دانیم که اکثر کودکان از همان ابتدا که زبان به سخن می‌گشایند سلام کردن به دیگران جزء اولین ارتباط کلامی اوست که از سوی والدین و بزرگ‌ترها به او آموزش داده می‌شود و این یکی از مهمترین آموزه‌های دین مبین اسلام است و حتی خود پیامبر (ص) به قدری بر این مطلب تأکید داشتند که به وفور شنیده ایم که ایشان همیشه در سلام کردن بر دیگران پیشی می‌گرفتند و همواره چه بر فرد و چه بر جمع، وقتی وارد می‌شدند ابتدا سلام کرده و مصافحه می‌کردند و سپس سخن خود را ادامه می‌دادند.

با توجه به این که پیامبر (ص) نمونه بسیار مناسبی هستند از هر جهت، خصوصاً مواردی که در گفتار موجب استحکام بخشیدن به روابط میان افراد می شود، از همین طریقه برخورد ایشان می توان استفاده کرده و در قالب یک داستان آموزنده و شعر مناسب با سن و موقعیت دانش آموزان در پایه های اول و دوم به آن ها آموخت که وقتی در جمعی حاضر می شوند و یا دوست یا بزرگتری را می بینند قبل از هر کار بهتر است با خوش رویی و صدای رسا ابتدا سلام کرده و سپس سخن خود را ادامه دهند. در همین راستا می توان همزمان به دانش آموزان آموخت که خود را عادت دهند در هنگام ملاقات یکدیگر در هر صبح، پس از گفتن سلام با یکدیگر مصافحه کنند که از همان سنین کم، غرور و تکبر را از خود دور کرده و دیگران را محترم بدانند. یک معلم در کلاس درس خود خصوصاً در این دوره تحصیلی می تواند الگوی مناسبی برای همه دانش آموزان خود باشد.

۷. مهارت خوب گوش دادن و خوب سخن گفتن

از مهمترین نکاتی که در برقراری ارتباطات میان فردی بسیار مؤثر بوده و زمینه ایجاد یک رابطه سالم و مناسب را در میان افراد جامعه فراهم می کند، سخن گفتن به شیوه مورد پسند و توجه به طرف مقابل به وسیله گوش دادن به سخنان اوست. اما سخن خوب باید چگونه باشد. طبق آیات قرآنی و رفتار و گفتار پیامبر (ص) سخن خوب باید شایسته باشد، با ملایمت و نرمی باشد، همچنین عفت و پاکی آن حفظ شود. در این زمینه احادیث بسیاری از بزرگان دین و ائمه معصوم (ع) به ما رسیده که یک سخن که به نرمی و ملایمت باشد حتی می تواند بر روان افراد گستاخ و خشمگین نیز اثر کرده و نتیجه خوبی در روابط بعدی افراد به جای گذارد.

لیکن بیان این مباحث در کلاس درس دانش آموزان دوره ابتدایی به صورت تئوری شاید نتواند تأثیر دائمی و نتیجه اثربخش مورد نظر را داشته باشد، بلکه یک معلم یا مربی تعلیم و تربیت به راحتی می تواند با نحوه گفتار خویش و درخواستی که از دانش آموزان خود در شیوه بیان و برخورد با هم نوعان خود دارد، این مطلب را به او آموزش دهد. چنانچه یک معلم در یک کلاس یا مدرسه بیان آرام و نرم، با حفظ حرمت دیگران در کلام نداشته باشد و نتواند ارتباطی از روی محبت و به شیوه صحیح با دانش آموزان خود برقرار کند، هرگز نمی تواند از دانش آموزان انتظار داشته باشد که با دوستان و اطرافیان خود زیبا سخن بگویند، ادب را رعایت کند و به سخنان دیگران خوب گوش داده و احترام بگذارد.

۸. مهارت اجتناب از تمسخر و استهزاء

با توجه به آیه ۱۱ سوره مبارکه حجرات و منع انسان ها از تمسخر و استهزاء یکدیگر جهت حفظ روابط اجتماعی سالم و مورد پسند در اسلام از سوی خالق یکتا و با نگاهی دقیق تر به تفسیر این آیه و دیگر سفارشات پیامبر (ص) و ائمه معصوم علیهما السلام، دلیل منطقی و بسیار مهم در همین توصیه که بر رعایت آن تأکید فراوان شده نیز، حفظ کرامت و عزت نفس هم نوعان در جامعه و جلوگیری از تحقیر شخصیت انسان ها و دیگران است. این مسأله در میان دانش آموزان دوره ابتدایی خصوصاً در پایه های پایین تر، بیشتر مشاهده می شود، چرا که دانش آموزان این پایه ها با جدایی از خانه و حضور در جمع هم سالان به این دلیل که تا قبل از این شاید نتوانسته اند درک صحیحی از تفاوت های فردی داشته باشند یا به نوعی بر این باورند که همه ی هم کلاسی های آن ها توانایی های مساوی در زمینه های گوناگون تحصیلی، هنری، جسمی و... دارند، با دیدن افرادی با توان ذهنی یا بدنی و... کمتر ممکن است طرف مقابل را مورد تمسخر قرار داده و با کلام و رفتار خود موجب آزار و اذیت او

گردد. هرچند افراد در این سن و سال کم شاید قصد و غرضی نداشته باشند، اما در عمل، شیوه برخورد آن‌ها با افرادی که توان کمتری در هر زمینه نسبت به او دارند، می‌تواند زمینه ساز تخریب و یا تحکیم روابط آن‌ها باشد.

در صورتی که یک مربی تعلیم و تربیت شاهد تحقیر شخصیت دانش آموزی در کلاس یا مدرسه توسط دیگر افراد باشد، بهترین راه این است که با تکریم و احترام شخصی که مورد استهزاء دیگران واقع شده، هرگز اجازه ادامه این نوع رفتار ناپسند را به آن‌ها نداده و در کنار ارج نهادن فرد مسخره شونده، با ملایمت در گفتار و صبر و حوصله فرد خاطی را با برخورد صحیح آشنا کرده و او را از آثار مخرب به سخره گرفتن دیگران آشنا سازد. از آنجاییکه افراد این گروه سنی دارای روح و روانی پاک بوده و آماده دریافت نکات آموزنده رفتاری و اخلاقی هستند و غالباً نظر آموزگار خود را محترم می‌دانند، در اکثر مواقع به راحتی می‌توان نکات مثبت و آموزنده اخلاقی را به آن‌ها شناساند و در وجودشان نهادینه کرد تا جایی که اغلب مشاهده شده با شیوه صحیح آموزش اینگونه مسائل، همین فردی که دچار اشتباهاتی در رفتارش بود، آنقدر بر رعایت این موارد اخلاقی در محیط و جمع هم نوعان، همت گماشته که پاره ای اوقات، خود به عنوان الگوی مطرح در کلاس و مدرسه معرفی شده و تشویق اولیا و مربیان را بر می‌انگیزد.

۹. اجتناب از بدگمانی، غیبت و نجوا (گفت و گوی درگوشی)

در سوره حجرات آیه ۱۲ به خوبی می‌توان به اثرات مخرب بدگمانی و بد دلی افراد نسبت به هم در جامعه پی برد، آنجا که خداوند بزرگ به صراحت، بر گناه بودن این کار زشت و عواقب آن اشاره می‌کند. وقتی کمی دقیق تر به این آیات می‌اندیشیم در می‌یابیم که ریشه ی همه ی این سفارشات به همان حفظ شخصیت و عزت نفس افراد در جامعه بر می‌گردد و همواره هدف از این آموزه ها در آیات قرآن و زندگی بزرگان جلوگیری از تحقیر شأن و شخصیت انسان در جامعه است تا جایی که خداوند در خصوص غیبت کننده خیلی واضح او را به خورنده گوشت مردار تشبیه کرده و عواقب سختی را برای او در نظر گرفته است. با نگاهی موشکافانه می‌توان به ارتباط این رفتارهای ناپسند با هم پی برد و ارتکاب به یک گناه را زمینه انجام گناه دیگری دانست و چنین است که کم کم اینگونه رفتار در انسان به صورت یک امر عادی و معمول در آمده و می‌تواند ریشه ارتباطات سالم را در جامعه نابود سازد. چرا انسان باید از گمان بد در مورد دیگران بر حذر باشد، چون همین امر باعث می‌شود در همین زمینه با دیگری به صورت مخفیانه و درگوشی (در صورت حضور فرد مورد بحث) سخن به میان آمده و سبب آزردهی خاطر او شده و ارتباط او با دیگران خدشه دار شود. پس همه ی این‌ها به نوعی به هم مربوط بوده و زمینه ساز تخریب ارتباطات انسانی می‌شود.

اما همین مسائل را باز می‌توان بسیار در دانش آموزان در مدارس خصوصاً مدارس ابتدایی مشاهده کرد و برای رفع آن چاره اندیشی کرد و باز هم ضروریست مربیان تعلیم و تربیت با هوش و درایت لازم در این مواقع وارد میدان شده و از فرصت استفاده کرده و دانش آموزان را به اثرات تخریبی اینگونه رفتارها آشنا سازند. بسیار دیده شده که در یک گروه کلاسی دو نفر از افراد گروه به هر دلیلی مایل هستند که خیلی نزدیک به هم نشسته و دست خود را در مقابل دهان گرفته و به آرامی در حضور دوستان دیگر در خصوص مسأله ای هرچند نامرتب با کلاس درس، با هم گفت و گو کنند و یا دانش آموزی از عدم حضور هم کلاسی خود در یک محل در مدرسه استفاده کرده و سعی کند در مورد موضوعی از دوست خود با آموزگار سخن بگوید که در این زمان آموزگار باید با نرمی و ملایمت در گفتار به شاگرد خود بیاموزد که پشت سر دوست و هم کلاسی خود نباید سخنی بگوید که موجب رنجش و اندوه او شود، و باید این فرد را متقاعد سازد که این شیوه برخورد او به سرعت بر روابط صمیمی و

گروهی آن‌ها اثر گذاشته و ارتباط دوستانه آن‌ها را برهم می‌زند و همانگونه که خودش مایل نیست دیگران از او غیبت کرده و شخصیت او را خوار و کوچک شمارند، خود او نیز این اجازه را ندارد عزت نفس و کرامت دیگران را زیر سؤال برده و دیگران را اندوهگین کند چرا که شاید آن‌ها راضی نباشند. وقتی باز با تکرار و تمرین این امر در میان همه ی دانش آموزان نهادینه شد، فرد در هیچ جامعه ای چه بزرگ یا کوچک، خواه خانه یا مدرسه یا هر محیط دیگری به خود اجازه نمی‌دهد از فردی غیبت کرده و آزدگی خاطر کسی را تحمل کند و این نوع احساس مسؤولیت در قبال شأن و شخصیت دیگران به خوبی در او نهادینه شده و چنین فردی هر آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران نیز پسندیده و خیر و خوبی را که برای خود در نظر می‌گیرد برای دیگران نیز همواره مد نظر داشته و بالعکس، هر چه را برای خود ناپسند و زشت می‌داند برای دیگران هم نمی‌پسندد.

پاسخ به پرسش‌های پژوهش

۱. پاسخ به پرسش اول: نظام مهارت‌های ارتباطی در اسلام (قرآن و سیره ی پیامبر "ص") چیست و چه راهبردهایی برای مهارت‌های زندگی دانش آموزان دوره ابتدایی دارد؟

مبنای نظام اخلاق اجتماعی و ارتباطات انسانی در قرآن کریم و به تبع آن در سیره نبوی، تقوا و حس مسؤولیت در تمام ابعاد فردی و اجتماعی است. در این نظام، انسان‌ها، نه تنها فرد را در قبال خویشتن و سعادت هر دو جهانی اش مسؤول می‌داند بلکه در برابر جامعه و هم نوعان خویش هم مسؤولیت دارد. در نظام اجتماعی قرآن کریم محوری به فرهنگ و آداب اجتماعی در خدمت تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال است.

در نظام اجتماعی مطلوب قرآن کریم اگر تکلیف در زندگی فردی و اجتماعی حاکم نباشد، مسؤولیت اجتماعی بی‌مفهوم شده و قوام جامعه آسیب می‌بیند. هیچ کسی مکلف بر اعمال دیگران نیست، چرا که بر آن‌ها قدرتی ندارد. دین نه تنها حقوق انسانی را به رسمیت می‌شناسد، بلکه یکی از غایت‌های تشریح دین، احیای حقوق بشری است و وجود تکالیف شرعی و ملحوظ نمودن عقوبت دنیوی و اخروی برای جهت دهی انسان در مسیر حقوق طبیعی است. رفتارهای اجتماعی زمانی که از افراط و تفریط مصون بمانند متصف به عدالت می‌گردند. عدالت اجتماعی در عدم افراط و تفریط نسبت به حقوق دیگران و مساوی دیدن افراد در برابر مقررات است.

انسان‌ها از نظر امکانات یکسان آفریده نشده اند؛ که اگر چنین بود هر کس همان را داشت که دیگری دارد و همان را فاقد بود که دیگری فاقد است و در این صورت به طور طبیعی نیاز متقابل و خدمت متبادلی در کار نبود. از این رو خداوند انسان‌ها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی، روحی، عقلی و عاطفی متفاوت آفریده است و بدین وسیله همه را بالطبع مایل به پیوستن به هم قرار داده و بدین طریق زمینه زندگی بهم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است. بنابر این زندگی ارتباط با انسان‌های گوناگون است و بی‌شک برخورد و تعامل مناسب با چهره‌های متفاوت از عهده ی هر فردی بر نمی‌آید. به همین دلیل تربیت اجتماعی و نوع ارتباط انسان‌ها با یکدیگر نیازمند مهارت‌هایی است و باید از دوران کودکی مورد توجه قرار گیرد.

شخص دیندار همواره رضایت خداوند را مد نظر خویش داشته و خود را موظف به ایفای نقش اجتماعی در مقابل دیگران می‌داند و در عرصه ی اجتماع در این راستا در پی انجام وظایف خود می‌باشد، وظایفی چون همیاری، خدمت رسانی به خلق، مسؤولیت پذیری و اجتناب از امور ناشایستی که موجب تحقیر شخصیت هم نوعان و آزدگی خاطر ایشان است. دین مبین اسلام به عنوان دینی جامعه نگر به تربیت اجتماعی انسان عنایت فوق العاده ای دارد و حتی احکام و عبادات اسلامی دارای

فایده ها و فلسفه های عمیق و ژرف در پرورش روحیه ی اجتماعی است. بنابر این دستورهای اسلام از قبیل نماز، حج، جهاد، زکات، خمس و انفاق بر اساس اجتماع بنیان گذاری شده است. گذشته از این، دین اسلام انسان را دارای فطرت خداجویی می داند و معتقد است تا زمانی که فطرت او به پلیدی ها آلوده نشده می تواند با خلوص و صفا به اجتماع بپیوندد. این فطرت پاک به او الهام می کند که در مقابل افراد اجتماع دارای وظایف و تکالیفی است که بایستی در قبال آن ها احساس مسؤولیت کند.

۲. پاسخ به پرسش دوم: نظام مهارت های ارتباطی منتج از آیات قرآن و سیره ی پیامبر(ص) چیست؟

با توجه به کلیاتی که در یک نظام اجتماعی مطلوب اسلام در ابتدای فصل سوم مورد بررسی قرار گرفت، می توان به صورت خلاصه، مصادیق مطرح در این نظام را بیان کرد. در پاسخ سؤال دوم پژوهش، باید ها و نبایدهای منتج از آموزه های دینی که در برقراری روابط اجتماعی مؤثر بوده و به ساخت یک جامعه مطلوب اسلامی کمک می کند، به صورت تیتروار و خلاصه از این قرارند:

۱-۲. مهارت هایی که موجب تحکیم روابط اجتماعی می شوند (بایدها)

- در نظر داشتن کرامت انسانی افراد
- خدمت رسانی به مردم
- مدارای اجتماعی
- مسؤولیت پذیری
- عفو و بخشش
- تکلیف و تکلیف مداری
- عدالت
- همیاری و تعاون
- گوش دادن و توجه کافی به سخن دیگران
- سخن شایسته و ملایمت در گفتار و عفت کلام
- پوزش و عذرخواهی
- سلام کردن و مصافحه و جا باز کردن برای تازه وارد در مجلس

۲-۲. مواردی که لازم است جهت تحکیم روابط اجتماعی از آن اجتناب کرد (نبایدها)

- تمسخر و استهزاء دیگران
- غیبت و بدگمانی
- سخن چینی و نجوا (گفتگوی در گوشی)
- خشم و دشنام
- دوری از یکدیگر و آزار رساندن به دیگران
- بدگمانی و بد دلی

• تجسس در امور دیگران

۳. پاسخ به سؤال سوم: چگونه می‌توان از مهارت‌های ارتباطی در آیات قرآن و سیره ی پیامبر(ص) برای برنامه مهارت‌های زندگی دانش آموزان دوره ابتدایی راهبردهایی را استنتاج کرد؟

علاوه بر اهمیت شیوه های تربیتی و نوع آن توسط اولیاء دانش آموز در منزل، مربیان تعلیم و تربیت در آموزشگاه ها نیز خصوصاً در دوره ابتدایی و پایه های پایین تر، در زمینه آموزش شیوه های برخورد صحیح اجتماعی و چگونگی برقراری ارتباط با دیگران در جامعه نقش بسیار مهمی را بر عهده دارند. زیرا کودک امروزه، انسان فردای جامعه است؛ جامعه ای که فرد در آن رشد می کند و به شدت از آن تأثیر می پذیرد. لذا تربیت فرد و آموزش مهارت‌های زندگی به او برای حضور در عرصه ی اجتماعی ضرورت دارد تا انسانی متعادل در رفتار اجتماعی و لایق عضویت مؤثر برای جامعه به عمل آید که حیاتش بر اساس خیر عمومی و بشر دوستی پایه گذاری شود.

تربیت افراد و جهت دادن آن ها به رعایت آداب اجتماعی برای او و اجتماعش جنبه ی حیاتی دارد. و متصدیان امر تعلیم و تربیت در این زمینه باید پیوسته اصول و روش هایی را مد نظر داشته باشند. مهمترین اصول در این زمینه، توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان و حفظ کرامت انسانی آن ها است، یعنی یک معلم که قصد دارد به دانش آموز خود مهارت‌های برقراری ارتباط با دیگران را آموزش دهد تا در آینده آمادگی حضور در یک جامعه بزرگ‌تر از مدرسه و خانه را پیدا کند، باید ابتدا توجه داشته باشد که در یک کلاس درس همه ی افراد توانایی های جسمی و روحی و عاطفی و... مانند هم نداشته و هریک از آن ها در محیطی متفاوت با دیگر هم سالان خود رشد کرده و قابلیت هایی را کسب کرده اند که این مسأله در امر آموزش بسیار مهم است. همچنین در مسیر تعلیم و تربیت فرد باید همواره به گونه ای برخورد نماید که عزت نفس و کرامت انسانی آن ها حفظ شود که در غیر این صورت زحمات آموزگار نتیجه مطلوب را به دنبال نخواهد داشت. پس از شناخت لازم، آموزگار بایستی توان بکار گیری شیوه های متناسب با روحیات فرد را در نظر داشته باشد تا در مسیر تعلیم و تربیت دچار مشکل نگردد. در همین خصوص به اختصار به بیان برخی شیوه های تربیت اجتماعی متناسب با دانش آموزان در دوره ابتدایی می پردازیم. گاهی لازم است آموزگار در کلاس درس با رائه ی یک الگوی مناسب به گونه ای که عزت نفس دانش آموز خدشه دار نشود برای او یک الگوی مناسب و شایسته را ترسیم نموده و با این روش با ایجاد یک ارتباط عاطفی میان آن دو به تربیت اجتماعی فرد کمک کند.

یکی دیگر از راه های آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی به دانش آموزان نظرخواهی از آنان در امور مربوط به اداره کلاس است. مشورت با دانش آموزان سبب تقویت اعتماد به نفس آن ها شده و با سپردن مسؤلیت به آن ها، می توان در وجودشان آمادگی لازم را جهت حضور در یک جامعه بزرگ با حضور تعداد بیشتری از افراد، ایجاد کرد. مشورت با افراد در این دوره سنی و سپردن مسؤلیت به ایشان موجب رشد و تعالی شخصیت آنان می گردد، زیرا آن ها با این کار احساس مفید و مستقل بودن می کنند و راه مقابله با مشکلات و تلاش برای یافتن راه حل آن ها در آنان شکوفا شده و همین امر، زمینه ساز برقراری ارتباط با دیگران در یک جامعه بزرگ با وظایف سنگین تر در آن ها خواهد شد.

انتخاب دوست و حضور در جمع های دوستانه برای رشد مهارت‌های ارتباطی فرد لازم است. این ارتباط ها زمینه های استقلال فرد را فراهم می کند و کم کم همکاری و تعاون و خدمت رسانی به دیگران را به او یاد می دهد و در همین راستا مقدمه پذیرش تکلیف و مسؤلیت پذیری را در او ایجاد کرده و پایه های رفتارهای اجتماعی آنان را استحکام می بخشد. در این زمینه

آموزگار می تواند با توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان و در نظر داشتن کرامت انسانی آن ها یاریگر خوبی در این انتخاب برای شاگردان خود باشد و نظارت دقیقی بر گروهبندی افراد کلاس خود داشته و آنان را با فعالیت در گروه، جهت پیدا کردن آمادگی لازم برای حضور در عرصه های بزرگ اجتماعی و ارتباط با هم نوعان، آشنا سازد.

به دلیل افزایش توان ذهنی کودک در هفت سال دوم و روحیه ی آموزش پذیری او در این مرحله، می توان بسیاری از اصول همزیستی و برخورد سالم در اجتماع را به طور مستقیم به او آموخت. در این دوره باید بیاموزد که دیگران نیز همانند او دارای شخصیت و آبرو هستند و همانطور که خود نمی پسندند در جامعه مورد استهزاء و تحقیر قرار گیرند، دیگران نیز همین انتظار را از او دارند که مورد استهزاء و تحقیر شخصیت قرار نگیرند و باید یاد بگیرد که پاره ای از رفتارهای خوب یا بد دیگران بازتاب رفتارها و برخوردهای خوب و بد خود ماست.

با نظر به جایگاه اساسی مهارت های ارتباطی در افراد باید توجه داشت که بذر مفاهیم کرامت انسانی، مدارا و عفو و گذشت، خدمت رسانی، تکلیف مداری، مسؤولیت پذیری و... را باید از همان دوران کودکی به ویژه در هفت سال دوم، یعنی همان دوره ابتدایی تحصیل که دانش آموزان از محیط کوچک خانه و خانواده تا حدودی جدا گشته و وارد یک اجتماع بزرگ تر با حضور هم سالان و هم نوعان شده اند، در دل آن ها پاشید و آن ها را از رفتارهای ناشایستی که موجب تخریب و خدشه دار شدن روابط اجتماعی می شود همچون خشم و دشنام، تمسخر و استهزاء، عیب جویی و غیبت و... بر حذر داشت و با رعایت اصول و روش هایی که بیان شد، فرد را برای حضور در یک اجتماع بزرگ تر آماده کرد که در کنار دیگر انسان ها، بتواند یک محیط آرام و بدون دغدغه ها و تنش های روحی برای خود و هم نوعان ایجاد کند و در آن به فعالیت های فردی و اجتماعی بپردازد.

در نهایت با آشنا کردن دانش آموزان با مهارت های ارتباطی منتج از آموزه های دینی و بیان مثال هایی از شیوه رفتاری پیامبر(ص) در قالب نمایش و شعر و داستان و یا به هر نحوی که برای دانش آموزان در مقطع ابتدایی تحصیلی جذاب و دوست داشتنی باشد، می توان به خوبی مهارت ارتباطات مؤثر و روابط میان فردی که از جمله مهارت های زندگی مورد نظر بر اساس تعریف در فصل اول پژوهش را به او آموزش داد و گام بلندی در جریان اجتماعی شدن او و برقراری روابط مؤثر در هر جامعه با حضور او برداشت.

پیشنهادات پژوهش

۱. پیشنهادهای نظری

- بررسی نظام ارتباطات اجتماعی در مکاتب دیگر و مقایسه آن با نظام اجتماعی مطلوب در اسلام.
- نقش خانواده در آموزش مهارت های زندگی و مقایسه نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر و بررسی تأثیر قرار گرفتن فرد در میان هم سالان جهت پذیرش الگوهای رفتاری مناسب .
- بررسی دیگر مهارت های منتج از آموزه های دینی جهت آموزش مهارت های زندگی مانند تصمیم گیری، مقابله با هیجانات و....
- بررسی نظام مهارت های ارتباطی منتج از نهج البلاغه و صحیفه سجادیه جهت آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان مقطع متوسطه اول و دوم.
- بررسی میزان انطباق شیوه های آموزش مهارت های زندگی در مدارس ابتدایی با مهارت های ارتباطی مطرح در دین اسلام.

۲. پیشنهادهای کاربردی

- آموزش هریک از آموزه‌های منتج از آیات قرآن و سیره نبوی با استفاده از اشعار کودکانه، نمایش، سرود و... به دانش آموزان پایه های اول و دوم دوره ابتدایی.
- توجه خاص به نقش آموزگاران دوره ابتدایی و رفتار های او با توجه به الگوپذیری بالای دانش آموزان از معلم.
- اختصاص ساعت کلاسی خاص مانند هنر یا هدیه های آسمان (حد اقل هر دو یا سه هفته، یک جلسه) به آموزش مهارت‌های ارتباطی در قالب های جذاب و مورد علاقه دانش آموزان این دوره برای آشنایی بیشتر آن ها
- تشویق به موقع و مؤثر آن دسته از دانش آموزانی که از روابط اجتماعی خوبی در میان هم کلاس ها و هم سالان خود بهره مند بوده و سعی در ترویج این گونه رفتارهای مناسب در کلاس و مدرسه دارند.
- ایجاد انگیزه در میان معلمان و همکاران در مدرسه از سوی مدیر و مسؤولان آموزش و پرورش جهت بکارگیری خلاقیت و ابتکار در شیوه‌های نوین آموزش مهارت‌های زندگی منطبق با آموزه‌های دینی.

منابع

۱. آزادی، عبدالله (۱۳۸۷). کتاب الجیم. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل - دانشگاه علوم پزشکی ایران.
۲. امانی، عظیم (۱۳۹۴). روش های تربیتی فرزندان از دیدگاه قرآن و احادیث در وقوله تشویق و تنبیه. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی و حدیث پردیس دانشگاهی دانشگاه قم.
۳. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۰). فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری به اهتمام امیر سیاهپوش و علی آقاپور. تهران: نشر شهر.
۴. خنیفر حسین، پورحسینی مژده (۱۳۸۶). مهارت‌های زندگی. حوزه علمیه قم (مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران). قم: مرکز نشر هاجر.
۵. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۰). راه و رسم زندگی. قم: بوستان کتاب.
۶. مقامی، حمید (۱۳۸۸). مهارت‌های ارتباطی در کلاس در تدریس و کلاس‌داری با تأکید بر تعلیم و تربیت اسلامی. قم: سماء قلم.
۷. قریشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن چاپ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. گاطع زاده، عبد الامیر (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان دانشجویان دختر. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، (۹)، ۱۱۹-۱۱۱.
۹. گلسرخ، سید جعفر (۱۳۸۹). نقد و بررسی اهداف و محتوای کتاب «مهارت‌هایی برای زندگی» پایه اول ابتدایی از نظر مبانی ارزش شناسی فلسفه تربیت اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.